



تحلیل فقهی و حقوقی اجاره بر اساس واحد زمان

همایون مافی، رضا احمدی لمراسکی

مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی ایران و انگلستان در قبال آزارگری عاطفی

بهروز جوانمرد، سحر فاطمی

جایگاه زنان در افغانستان از منظر حقوق بین الملل بشر

محسن مولائی فرد، هادی مسعودی فر

تحلیل شرایط اساسی تشکیل قرارداد در انعقاد قراردادهای الکترونیکی؛ مسئولیت‌ها و مجازات‌ها

زهرا انصاری فر، مریم کمائی

بررسی جبران هزینه‌ها و امکان درخواست قرار تأمین هزینه‌ها در تأمین مالی داوری بین المللی توسط شخص ثالث

محمد مهدی اسدی

امکان سنجی تعقیب کیفری و حقوقی مقامات حکومتی در نقض حق سلامتی شهروندان (با تأکید بر کروناویروس)

محمد سعید حسینی، محمد جواد جاوید

معاونت در جرم در حقوق آمریکا و ایران؛ مطالعه‌ای با تأکید بر ابزارگرایی کیفری

روح الله آهنگران

جایگاه عقل در استنباط احکام فقهی

علی کریمی، حسن صادقیان مشکانی، سید محمد حسین جزایری

واکاوی حقوق زندانیان با رویکردی بر نهادهای داخلی و بین المللی

سیده مهشید میری بالاچورشری، امیررضا محمودی

تأثیر قرارداد بیست ساله بر روابط دوجانبه میان ایران و روسیه در دولت سیزدهم

سید امین حسینی، احمد شوهانی، ایرج مروتی

ارتقای حقوق فرهنگی در پرتو دین اسلام و نظام حقوقی ایران

علیرضا انصاری مهبیاری، زهرا سادات حسینی

جرایم ثبتی اسناد و املاک در حقوق کیفری ایران

امیر اسماعیلی، نوید معتمدآریا، فاطمه نظرپور

معیار تفکیک شکنجه از سایر رفتارهای غیرانسانی

ماهان قربانی پس‌ویشه

استثنائات اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات در برابر دارنده با حسن نیت

سارا فرزادی مهر، شاپور محمد حسینی، محمدرضا حقیقی

سندرم زن کتک خورده و دفاع مشروع: اختلافی قانونی و تجربی

مریم فرحی

آثار ضمانت حسن انجام تعهد در حقوق ایران

اصلان علیزاده



A Comparative Study of the Legislative Criminal Policy of Iran and England Regarding Offences Related to Emotional Abuse

مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی ایران و انگلستان در قبال آزارگری عاطفی

Behrooz Javanmard

Visiting Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Department of Electronics, Tehran, Iran (Corresponding Author)

پهروز جوانمرد
استادیار مدعو گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
B_javanmard@iauec.ac.ir
<http://orcid.org/0000-0001-7851-6064>

Sahar Fatemi

PhD student in criminal law and criminology, Islamic Azad University, Kish branch, Kish, Iran

سحر فاطمی
دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کیش، کیش، ایران
Saharfatemi2022@gmail.com

Abstract

Emotional abuse, one of the forms of psychological abuse, refers to a series of intentional behaviors that are applied in the context of an intimate relationship by a person trusted by the victim and causes mental and emotional effects such as mood instability or loss of self-esteem. In the criminal laws of Iran and England, the legislator has included some behaviors based on emotional abuse under the guarantee of criminal executions. Among others, we can refer to the first paragraph of Article 500 of the Islamic Penal Code of the Corporal Punishment Act 2019 and in England, Article 76 of the Serious Crime Act 2015. This study is written using the descriptive-analytical method with a comparative approach using library resources. According to the results of the research, compared to the Iranian legislators, in the field of dealing with emotional abuse, the English legislator has first taken the lead through different forms of control by the partner or emotional support under the heading of domestic violence, and secondly, he has a more comprehensive view of the issue. Some cases of emotional abuse have been foreseen on a case-by-case basis in the law on preventing and combatting violence against women and improving their security against abuse, which is currently awaiting approval in the Islamic parliament.

Keywords: Emotional Abuse, Mental Inductions, Coercive Control, Serious Crime Act 2015.

چکیده

آزار عاطفی که یکی از اشکال سوءاستفاده روانی است، به سلسله رفتارهای عمدی اطلاق می‌شود که در بستر یک رابطه صمیمی از سوی فرد مورد اعتماد قربانی اعمال شده و باعث ورود تأثیرات روحی و عاطفی نظیر بی‌ثباتی خلقی یا از دست دادن عزت نفس می‌شود. در حقوق کیفری ایران و انگلستان، قانونگذار، برخی رفتارهای مبتنی بر آزارگری عاطفی را مشمول ضمانت اجراهای کیفری قرار داده است. از جمله می‌توان به بند اول ماده ۵۰۰ مکرر از قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۹۹ و در انگلستان ماده ۷۶ قانون جرایم خطرناک مصوب ۲۰۱۵ میلادی اشاره کرد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با رویکردی تطبیقی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نگارش شده است.

واژگان کلیدی: آزارگری عاطفی، القانات ذهنی، کنترل‌گری اجباری، قانون جرایم خطرناک مصوب ۲۰۱۵.

Received: 2024/01/22 - Review: 2024/05/03 - Accepted: 2024/05/13

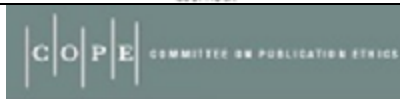
دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۲۲ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳ - پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۱۳

ارجاع:

جوانمرد، بهروز؛ فاطمی، سحر؛ (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی ایران و انگلستان در قبال آزارگری عاطفی، تمدن حقوقی، شماره ۱۹.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

آزار عاطفی^۱ که یکی از اشکال آزار روانی^۲ است، نوعی سوءاستفاده است که توسط یک فرد نسبت به یک فرد دیگر اعمال می‌شود. این مدل از آزار به طور معمول در یک رابطه صمیمی بین دو شریک عاطفی یا جنسی، شکل می‌گیرد یا در یک رابطه به بحران رسیده توسط یک فرد ثالث که پشتیبان عاطفی موقت قربانی محسوب می‌گردد، انجام می‌شود. در هر صورت، این مدل از آزار، منتهی به پیامدهای روحی و احساسی در قربانی نظیر از بین رفتن عزت نفس، تشکیک در قدرت درک قربانی از خود و محیط پیرامون خود و وقایع اتفاقیه در زندگی روزمره، اضطراب، کج خلقی، گوشه‌گیری، آسیب‌پذیری روحی، عاطفی، روانی و حتی خودکشی می‌شود (Johnson et al, 2023, 399).

مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد آزار عاطفی، خواه به صورت پنهان خواه به صورت آشکار، تولید درد می‌کند. این درد به طور مستقیم بر عملکرد سیستم ایمنی بدن تأثیر گذاشته و در درازمدت بیماری‌های خودایمنی ایجاد می‌کند. آزار عاطفی هیجانات منفی شدیدی در قربانی ایجاد می‌کند که می‌تواند منجر به تشکیک در خود واقعی، افسردگی، اضطراب، احساس بی‌کفایتی، بی‌خوابی، کناره‌گیری از اجتماع و پایین آمدن اعتماد و عزت نفس شود (فرجیها و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۷۹).

در این پژوهش نگارندگان تلاش می‌کنند تا ضمن ارائه تعریفی مناسب از آزار عاطفی برخی مصادیق

1- Emotional Abuse

2- Psychological Abuse

رایج آن از جمله گسلاپتینگ^۳ و پیامدهای آن را مورد مذاقه قرار داده در عین حال سیاست جنایی تقنینی ایران و انگلستان را در قبال رفتارهای کنترلگر ذهنی را در قلمرو قوانین عام و خاص همچنین چشم‌انداز تقنینی به صورت مقایسه‌ای مورد ارزیابی قرار دهند. در پایان نیز تلاش خواهد شد ضمن جمع‌بندی نهایی یک پیشنهاد تقنینی ارائه گردد.

۱- مفهوم‌شناسی و گونه‌شناسی آزار عاطفی

برای درک بهتر از یک اصطلاح بایستی ابتدا تعریف علمی آن آشنا شد و سپس مصادیق آن را برشمرد. در این قسمت ابتدا با مفهوم آزار عاطفی آشنا خواهیم شد و در بند دوم برخی مهم‌ترین مصادیق آزار عاطفی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱- مفهوم و تعریف آزار عاطفی

در خصوص مفهوم آزار عاطفی در قوانین جاریه ایران تعریفی ارائه نشده است اما از منظر دکترین می‌توان گفت منظور از آزار عاطفی انواع رفتارهای آزارسان غیرجسمی است مانند سرزنش، ترساندن، تهدید، تبعیض، تحقیر، طرد یا ابراز خصومت کلامی و بی‌توجهی نسبت به شریک موقت یا دائمی که می‌تواند زیر یک سقف با فرد آزارسان زندگی نماید یا در یک ارتباط دورادور از لحاظ فیزیکی ولی نزدیک از نظر عاطفی و روانی باشند. هدف از انجام این آزار عاطفی به انقیاد کشیدن شخصیت طرف مقابل و در دست‌گیری عنان تفکر و قوه تصمیم‌گیری وی و کاهش دادن عزت نفس و حب ذات وی به منظور انواع سوءاستفاده‌های عاطفی، مالی و یا جنسی می‌باشد.

۱-۲- مصادیق آزار عاطفی

القائات ذهنی به قربانی، انتقاد مداوم و بی‌اساس از قربانی، تلاش برای کنترل قربانی، شرم‌ده کردن قربانی، ایزوله کردن و متزوی کردن قربانی، کنایه زدن به قربانی، نادیده گرفتن قربانی، استفاده از ادبیات تحقیرآمیز برای قربانی، استفاده ابزاری از محبت به قربانی آسیب‌پذیر رها شده در یک رابطه بحرانی با دیگری، قهر کردن به قصد آزار، دستکاری ذهنی یا شستشوی مغزی قربانی^۴ همگی از مصادیق آزار عاطفی هستند که بعضاً در سپهر کیفری نظام‌های حقوقی به صورت هنجار حقوقی نیز درآمده است (کارگر و همکاران، ۱۳۹۳، ۲۶۹).

۳- شستشوی مغزی

یکی از جلوه‌های تقریباً جدید آزار عاطفی که صبغه هنجار حقوقی به خود گرفته، گسلاپتینگ است که با برگردان «دستکاری یا شستشوی مغزی به قصد ایراد آزار عاطفی، جسمی و جنسی» در ادبیات حقوق کیفری برخی کشورها از جمله انگلستان راه پیدا کرده است (Penttinen, 2023, 945). اصطلاح «شستشوی مغزی» از فیلم «چراغ گاز»^۵ سال ۱۹۴۴ میلادی که اقتباسی از نمایشنامه چراغ گاز ۱۹۳۸ میلادی پاتریک هامیلتون^۶ می‌باشد، نشأت گرفته است که در آن، یک مرد با این هدف که ارثیه همسرش را تصاحب بکند به او تلقین می‌کند که صداهایی که می‌شنود، جملگی در سر اوست و بدین سان، همسرش به سلامت عقلش شک نماید (Sodoma, 2022, 321).

این اصطلاح برای توصیف شکلی از سوءاستفاده عاطفی در جایی که فردی کم‌کم و به تدریج افکار فرد دیگر را دستکاری، تحریف، شستشو و مهندسی می‌کند تا کنترل رفتار او را در دست بگیرد. در این حالت، فرد سوءاستفاده‌گر می‌تواند ادعا کند که افکار قربانی خود را به خوبی درک نکرده است یا این که می‌تواند کیفیت رویدادهایی که قربانی به خاطر می‌آورد را زیرسوال ببرد. سپس آن‌ها دغدغه‌های قربانی را با این ادعا که او دچار توهم شده یا حساسیت زیادی نشان می‌دهد رد می‌کنند تا زمانی که قربانی کاملاً سردرگم و آسیب‌پذیر می‌شود. به تعبیر دیگر سوءاستفاده‌کننده باعث می‌شود، قربانی نسبت به خود، تصورات، ادراکات و سلامت عقل خود شک کند (Philips, 2021, 145). نکته شایان توجه اینجاست که شستشوی مغزی فقط در حوزه روابط عاشقانه و صمیمی مطرح نیست بلکه ممکن است بین دوستان و افراد خانواده نیز اتفاق بیفتد. اما معمولاً و به‌ویژه در رابطه‌ای که شامل عدم تعادل قدرت است این پدیده رخ می‌دهد.

شستشوی مغزی سبب می‌شود که قربانی حس کند گویا عقل و منطقش دستخوش تحریف و دستکاری شده است و به شکلی از رویدادها باور پیدا می‌کند که فرد مرتکب برایش بازگو کرده است حتی اگر حقیقت نداشته باشند. که این می‌تواند برای سلامت روح و روان فرد مضر باشد. تمام اشکال شستشوی مغزی، احساس سردرگمی و ناتوانی پدید می‌آورند که موجب تروما، اضطراب، وحشت و افسردگی می‌گردد. اشکال گوناگونی از شستشوی مغزی وجود دارند مثل دروغ گفتن و یادزدودگی (فراموشی) مغرضانه^۷، دستکاری حقیقت^۸، فرافکنی^۹، تهدید و اجبار (Sodoma, 2022, 324).

5- Gaslight

6- Patrick Hamilton

7- Toxic amnesia

هدف از شستشوی مغزی، عدم پذیرش مسئولیت هر کاری است. مرتکبین این عمل، با هدف دستکاری و کنترل، مسئولیت هر اتفاقی را بر گردن قربانیان‌شان می‌اندازند و سرزنش را متوجه آن‌ها می‌کنند. این عمل به انواع روش‌های ماهرانه تکرار می‌شود تا شک و تردیدی در عزت نفس، افکار و احساسات قربانی و آنچه گفته شده یا اتفاق افتاده است ایجاد نماید. علایم برجسته رفتار شستشوی مغزی این است که شما دائماً خودتان را مورد سرزنش قرار می‌دهید؛ مرتکب، رویدادهای تجربه شده توسط شما را انکار می‌کند؛ رویدادها را آنطور که خودش می‌خواهد بازگو کرده یا تحریف می‌کند؛ او اصرار دارد به این که شما کارهایی را انجام داده یا چیزهایی گفته‌اید که شما مطمئن هستید انجام نداده‌اید.

بر پایه آمار مرکز خط تلفن اضطراری ملی خشونت خانگی^{۱۱} در انگلستان، برخی از روش‌های رایج شستشوی مغزی عبارتند از: امتناع کردن^{۱۱}: مرتکب، ادعا می‌کند که قربانی را درک نمی‌کند یا از شنیدن اظهارات او خودداری می‌کند. مخالفت کردن^{۱۲}: مرتکب، حافظه قربانی را به چالش می‌کشد. تحریف کردن^{۱۳}: مرتکب موضوع را تغییر می‌دهد یا قربانی را نسبت به باورهایش درباره آن موضوع دچار تردید می‌کند. توجه نکردن^{۱۴}: مرتکب، نیازهای قربانی را بی‌ارزش و کم اهمیت جلوه می‌دهد. انکار^{۱۵}: مرتکب وعده و وعیدهای احتمالی به قربانی را رد می‌کند.

در ژانویه سال ۲۰۲۲ میلادی اصطلاح «شستشوی مغزی» برای اولین بار در رای صادره از دادگاه عالی انگلستان^{۱۶} در بخش خانواده در پرونده موسوم به (آرای بی‌بی)^{۱۷} به جای اصطلاح قانونی (رفتار کنترل‌گر و اکراهی)^{۱۸} استفاده شد. موضوع این پرونده یک اختلاف خانوادگی در خصوص تمشیت امور فرزندان بین یک زوج بود که منتهی به تشکیل یک کمیته حقیقت یاب در خصوص سوءاستفاده خانگی^{۱۹} شد. قاضی این پرونده، آقای کاب^{۲۰}، تأیید کرد که استفاده از واژه «گسلایتینگ» برای توصیف کاری که پدر با مادر

8- Reality manipulations

9- Scapegoating

10- National Domestic Violence Hotline

11- Withholding

12- Countering

13- Diverting

14- Trivialising

15- Denial

16- High Court judgement

17- B-B, Re (Domestic Abuse: Fact-Finding) (Rev1) EWHC 108 (Fam) (20 January 2022)

18- Controlling or coercive behaviour

19- Domestic Abuse

20- Justice Cobb

انجام داده است، منعی ندارد. قاضی در پرداختن به مفهوم گسلایتینگ (دستکاری ذهنی) بیان کرد که «رفتار پدر نوعی سوءاستفاده موزایانه^{۲۱} است که برای این که مادر سلامت روانی و در واقع سلامت عقلش را زیرسوال ببرد». یافته‌های دادگاه نشان می‌داد که پدر کودک از نظر عاطفی مادر را کنترل می‌کرد که به آن اجبار^{۲۲} نیز می‌توان گفت و مادر را از نظر اجتماعی منزوی کرده بود. در پرونده قید شده که پدر (که پرستار یک مرکز بهداشت روانی بوده) غالباً مادر را تحت شستشوی مغزی قرار داده و دیگران را متقاعد کرده بود که مادر اختلال دوقطبی^{۲۳} دارد (sodoma,2022,149).

۲- ارکان‌شناسی حقوقی آزار عاطفی

آزار عاطفی از طریق رفتارهای اکراهی و کنترلگر در پهنه حقوق کیفری برخی کشورها از جمله ایران و انگلستان با دو نظام حقوقی متفاوت (اولی تکثرگرا و دومی کامن لا) راه پیدا کرده است که هر کدام با زاویه دید متفاوتی به مقوله القائات ذهنی کنترلگر حمایت کیفری از شهروندان اقدام نموده‌اند. لذا در این قسمت عناصر سه گانه متشکله این جرم مورد بررسی تطبیقی قرار خواهد گرفت.

۲-۱- عنصر قانونی جرم انگاری رفتارهای کنترلگر در نظام حقوقی ایران و انگلستان

در عرصه سیاست جنایی تقنینی ایران در خصوص کنترلگری به‌عنوان یکی از مصادیق آزار عاطفی برای اولین بار در سال ۱۳۹۹ در کتاب پنجم تعزیرات از قانون مجازات اسلامی یک ماده تحت عنوان ماده ۲۴۵۰۰ مکرر در فصل مربوط به جرایم علیه امنیت داخلی الحاق گردید. این که چرا مقنن این ماده را ذیل فصل اول کتاب پنجم تعزیرات یعنی جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی آورده است، بر راقمین این

21- Insidious abuse

22- Coercion

23- Bi-Polar disorder

۲۴- هر کس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌گردد. مجازات سردستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین می‌شود: هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرایمی از قبیل اعمال منافعی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روانگردان، خودآزاری یا دیگرزنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد.

سطور پوشیده است. شاید سخن لغوی نباشد اگر گفته شود جای یک فصل در میان فصول کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ تحت عنوان جرایم علیه آسایش اجتماعی خالی است و امثال ماده ۵۰۰ مکرر بایستی ذیل چنین عنوانی بیایند و از این منظر شایسته است مقنن در لایحه تعزیرات که هم اکنون مراحل جنینی خود را سپری می‌کند به این مهم توجه داشته باشد.

در سطح قوانین خاص مقنن در خصوص کنترلگری و جلب اعتماد به قصد آزار عاطفی و یا هر نوع آزار دیگر صحبتی نکرده است که البته جای انتقاد دارد چرا که امروزه به مدد فناوری‌های نوین بیشتر ارتباط‌های دوستی و عاطفی در فضای مجازی^{۲۵} شکل می‌گیرد و چنانچه مقنن سازوکار کیفی خود را با تحولات جهانی همگام نسازد بدیهی است در رویه قضایی دچار چالش می‌شود و ناگزیر یا باید از ابزارهای سنتی برای محکومیت مرتکب، مدد بجوید که احتمال نقض حکم در مرجع بالاتر افزایش می‌یابد و یا بایستی حکم برائت صادر نماید که این خود موجبات تجری بزهکاران بالقوه را فراهم می‌نماید. به‌عنوان نمونه در خصوص اطفال و نوجوانان که از بخش زیادی از استفاده‌کنندگان از فجازی هستند در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ اشاره به رفتارهای کنترلگر در فجازی به قصد سوءاستفاده‌های مالی، روانی، عاطفی، جسمی و جنسی نشده است تنها در ماده ۱۰ این قانون اشاره شده است که: هرکس نسبت به طفل یا نوجوان مرتکب آزار یا سوءاستفاده جنسی شود، در صورتی که مشمول مجازات حد نباشد با در نظر گرفتن شرایطی مانند وضعیت بزه دیده، شرایط مرتکب و آثار جرم، به ترتیب زیر مجازات می‌شود: ... برقراری ارتباط با طفل و نوجوان در فضای مجازی به منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی.

در چشم‌انداز تقنینی کیفی ایران نیز توجه به موضوع آزار عاطفی از طریق کنترلگری با رویکردی ابتدایی، سنتی و موردی در برخی لوایح در دست بررسی مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه در لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار»^{۲۶} که در حال حاضر در نوبت رسیدگی مجلس شورای اسلامی قرار دارد، ماده ۳۸ مقرر داشته «هرگاه مردی به زنی که در علقه زوجیت دیگری است با وعده ازدواج، پیشنهاد طلاق دهد به حبس یا جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود». شاید بتوان گفت نویسندگان این لایحه، وعده ازدواج دادن به زن متاهل را از سوی مرد دیگر، نوعی

۲۵- فجازی

۲۶- نسخه ۱۴۰۱

شستشوی مغزی و دستکاری ذهنی یا به تعبیر مقنن انگلستان، یک رفتار کنترلگر (گسلایتینگ) تلقی کرده‌اند. البته بهتر بود نویسندگان لایحه مذکور با نگاه جامع‌تری به موضوع کنترلگری و تطهیر ذهنی و شستشوی مغزی (گسلایتینگ) توسط افرادی که تحت عنوان پشتیبان عاطفی موقت به قصد سوءاستفاده عاطفی یا جنسی یا مالی از زنان دچار مشکل یا آسیب دیده در زندگی مشترک با آن‌ها ارتباط می‌گیرند توجه می‌نمود و از تجربه کشورهای پیشرو در این زمینه از رهگذر مطالعات تطبیقی استفاده می‌نمود. در ماده ۲۷۳۰ همین لایحه به آزار روحی بانوان اشاره شده است. البته بهتر بود نویسندگان این لایحه در ماده‌های ابتدایی تعریفی از آزار روحی همراه با چند تمثیل روشنگر در مورد آن ارائه می‌نمودند تا قاضی صادرکننده حکم به‌عنوان یک رهنمود بتواند آن را ملاک تشخیص قرار دهد.

در سپهر کیفری کشور انگلستان، آزار عاطفی تحت عنوان رفتار کنترلگر و اکراهی در سال ۲۰۱۵ میلادی در «قانون جرایم خطرناک»^{۲۸} در بخش پنجم ذیل عنوان «خسونت خانگی»^{۲۹} در ماده ۷۶ گنجانده شد. به موجب این ماده که تحت «رفتار کنترل‌کننده یا اکراهی در یک رابطه صمیمانه یا خانوادگی»^{۳۰} نامگذاری شده است، شرایطی برای تحقق جرم پیش‌بینی شده است، از جمله:

الف- مرتکب به طور مکرر یا دائم رفتاری با قربانی داشته باشد که از نوع کنترل‌کننده یا اکراهی باشد. ب- در زمان وقوع رفتار، مرتکب و قربانی ارتباطی شخصی با یکدیگر داشته باشند. ج- رفتار ارتكابی تأثیری جدی بر روح، روان و عواطف قربانی داشته باشد. د- مرتکب بداند یا علم داشته که آن رفتار تأثیری جدی بر قربانی خواهد داشت.

با توجه به شرایط مندرج در این ماده به نظر می‌رسد جرم به لحاظ نتیجه مقید است یعنی رفتارهای مرتکب بایستی پیامدهای احساسی و روانی منفی در قربانی ایجاد کرده باشد. از منظر مقنن انگلستان، رابطه مرتکب با قربانی زمانی شخصی محسوب می‌شود که: الف- رابطه صمیمانه داشته باشند، یا ب- با

۲۷- هرکس بدون رضایت و برخلاف تمایل زنی، به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا به هر وسیله دیگری پیام، تصویر یا نماد مستهجن یا مبتذل برای وی ارسال کند که نوعاً موجب آزار روحی نسبت به افراد متعارف می‌شود، در صورتی که پیام و تصاویر ارسالی مستهجن باشد به جزای نقدی درجه شش و در صورتی که مبتذل باشد، به جزای نقدی درجه هفت محکوم می‌شود.

28- Serious Crime Act 2015

29- Domestic abuse

30- Controlling or coercive behavior in an intimate or family relationship

هم زندگی کنند مثلاً اعضای یک خانواده باشند، یا زیر یک سقف زندگی کنند. البته در این ماده معاذیر معاف کننده نیز پیش‌بینی شده است از جمله این که مرتکب مطابق بخش اول از قانون مصوب ۱۹۹۳ میلادی راجع به کودکان و اشخاص جوان، در قبال شخص مخاطبش مسئول باشد و او زیر شانزده سال باشد. از منظر این قانون زمانی می‌توان گفت رفتار مرتکب «تأثیری جدی» بر قربانی داشته که: الف- در دست کم دو موقعیت، باعث ترس قربانی راجع به استفاده از خشونت علیه او می‌شود، یا ب- باعث هراس یا آزرده‌گی شدید قربانی شود به طوری که که تأثیر نامطلوب و قابل توجهی بر فعالیت‌های روزمره زندگی وی داشته باشد.

از نظر عنصر روانی صرف داشتن سوءنیت عام یعنی عمد در ارتکاب افعال فوق برای تحقق جرم کفایت می‌کند و نیاز به سوءنیت خاص مرتکب نیست. همچنین از نقطه نظر مقنن انگلستان، زمانی می‌توان گفت که شخص الف و شخص ب اعضای یک خانواده هستند که یا با یکدیگر ازدواج کرده باشند؛ یا شرکای مدنی^{۳۱} یکدیگر باشند^{۳۲} یا شده باشند؛ یا خویشاوند باشند؛ یا با یکدیگر قرارداد ازدواج بسته باشند^{۳۳}؛ یا هر دو والد یک کودک^{۳۴} باشند؛ یا از مسئولیت پدرا نه و مادرا نه در قبال یک فرزند برخوردار باشند، یا برخوردار شده باشند. همچنین مواردی که به‌عنوان دفاع از سوی متهم تلقی می‌شود عبارتند از: الف- هنگام نشان دادن رفتار مدنظر، مرتکب معتقد بوده که منافع قربانی را در نظر گرفته، یا ب- رفتار مرتکب در تمام شرایط با معیار عینی، منطقی^{۳۵} بوده است.

از منظر کیفرشناسی، شخصی که به موجب این ماده احراز مجرمیت وی صورت می‌گیرد مشمول مجازات‌های زیر است: الف- محکوم شدن به اتهام با کیفرخواست، زندانی شدن به مدتی که از پنج سال تجاوز نمی‌کند، یا جریمه، یا هر دو مجازات؛ ب- محکومیت بدون حضور هیئت منصفه (به صورت اختصاری)، زندانی شدن به مدتی که از دوازده ماه تجاوز نمی‌کند، یا جریمه، یا هر دو مجازات.

با مذاقه در عنصر قانونی رفتارهای کنترلگر در هر دو نظام حقوقی مشاهده می‌شود که مقنن انگلستان نگاه جزئی‌تر و در عین حال جامعی به موضوع رفتارهای کنترلگر داشته و عنصر قانونی این جرم را به

31- Civil Partnership Agreement

۳۲- مطابق ماده ۷۳ از قانون مشارکت مدنی مصوب ۲۰۰۴ میلادی

۳۳- خواه قرارداد فسخ شده باشد یا نه

۳۴- منظور از کودک به معنای شخصی است که زیر هجده سال باشد

35- Reasonable

درستی ذیل فصل خشونت خانگی آورده است. اما مقنن ایران در بند اول ماده ۵۰۰ مکرر کتاب پنجم تعزیرات قانون مجازات اسلامی الحاقی ۱۳۹۹ با نگاه امنیت مدار به موضوع القائنات ذهنی این رفتارهای کنترلگر را ذیل فصل جرایم علیه امنیت ملی داخلی و خارجی آورده است که امر خیرانه‌ای به نظر نمی‌رسد، بلکه جایگاه چنین ماده‌ای بایستی ذیل فصلی تحت عنوان جرایم علیه آسایش عمومی باشد که اصولاً چنین فصلی در کتاب پنجم تعزیرات وجود ندارد.

۲-۲- عنصر مادی

وقتی صحبت از عنصر مادی می‌شود سه رکن بایستی بررسی شود؛ رکن رفتار، رکن شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم و رکن نتیجه.

در حقوق کیفری انگلستان، ماده ۷۶ قانون جرایم خطرناک مصوب ۲۰۱۵ میلادی بیان می‌دارد که جرم به وسیله شخص الف علیه شخص ب صورت می‌گیرد اگر: شخص الف به کرات یا مستمر در رفتاری نسبت به شخص دیگر، شخص ب که کنترلگر یا تحت اجبار است شرکت کند. در زمان ارتکاب رفتار، شخص الف و شخص ب در بستر یک رابطه عاطفی شخصاً با هم مرتبط باشند. رفتار واجد یک تأثیر جدی علیه شخص ب بوده است. شخص الف می‌داند که رفتارش تأثیر جدی روی شخص ب خواهد داشت.

بدین سان رفتار فیزیکی به صورت فعل مثبت مادی بایستی تحقق پیدا کند و این رفتار باید از منظر قاضی و هیات منصفه یک رفتار کنترلگر و اکراهی باشد. در عین حال انجام این رفتار به صورت دفعات واحد موجب تحقق این جرم نمی‌شود و با توجه به عبارت (به کرات و مستمر) در ماده ۷۶ این قانون یا در طول یک دوره زمانی متعارف بایستی این رفتار نسبت به بزه دیده ادامه داشته باشد. یا مطابق بند چهارم این ماده، حداقل دو مرتبه قربانی از رفتار اکراهی مرتکب ترسیده باشد.^{۳۶}

در مورد تأثیر ماهوی جدی بر امور روزانه قربانی اصول راهنمای نهاد دادستانی سلطنتی چند تمثیل روشنگر ارائه می‌کند: وخامت سلامت جسمانی یا روحی، عدم معاشرت یا صرف نظر کردن از فعالیت‌هایی همچون فعالیت بدنی، نیاز به اتخاذ تدابیری در منزل برای حفاظت از خود یا فرزندان شان همچون دوربین مدار بسته، خودزنی، خوردن غذا به صورت نامناسب، تغییر الگوهای کاری یا وضعیت اشتغال. از نظر رکن

36- it causes B to fear, on at least two occasions, that violence will be used against B

نتیجه با توجه به بند سوم ماده یاد شده به نظر می‌رسد که جرم مقید است و بایستی آثار جدی بر قربانی به لحاظ روحی، عاطفی و روانی گذاشته باشد. این آثار چنانکه در سطور پیشین بیان شد می‌تواند اضطراب، از بین رفتن عزت نفس، اعتماد به نفس و امثالهم باشد.

در حقوق کیفری ایران، با توجه به عبارت «استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی» در صدر ماده ۵۰۰ مکرر کتاب پنجم تعزیرات و عبارت «هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود» مندرج در بند اول آن، رفتار مرتکب بایستی به صورت فعل فیزیکی مثبت باشد. از نظر اوضاع، شرایط و احوال لازم برای تحقق جرم، اولاً این اقدامات باید در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن باشد و رفتارهای فردی مدنظر مقنن نبوده است. ثانیاً، این رفتارها می‌تواند در فضای واقعی و فضای مجازی رخ بدهد. ثالثاً وسیله ارتکاب به نحو حصر نیست بلکه هر گونه از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی را به تشخیص مقام قضایی در بر می‌گیرد. از نظر رکن نتیجه به نظر می‌رسد با توجه به سیاق عبارات به کار رفته در بند اول ماده ۵۰۰ مکرر کتاب پنجم تعزیرات که اشعار داشته «هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرایمی» جرم مقید به نتایج فوق بایستی باشد.

۲-۳- عنصر روانی

عنصر روانی شامل دو جزء می‌باشد: سوءنیت عام و سوءنیت خاص. در حقوق کیفری انگلستان، با توجه به بند چهارم ماده ۷۶ قانون جرایم خطرناک مصوب ۲۰۱۵ میلادی، سوءنیت عام مرتکب در این جرم عمد در ارتکاب رفتار کنترل‌گر و اکراهی و علم به این که رفتارش تأثیر جدی بر روی قربانی خواهد داشت برای تحقق جرم کفایت می‌کند و این که این رفتار را با سوءنیت خاص یعنی به قصد ایجاد یک تأثیر روانی یا عاطفی خاص بر روی بزه دیده انجام دهد ضروری به نظر نمی‌رسد بلکه از نظر نویسندگان مقنن انگلستان به نوعی سوءنیت خاص مرتکب را در این جرم مفروض گرفته است. به بیان دیگر، صرف داشتن عمد در ارتکاب رفتار فیزیکی، علم و آگاهی نسبت به تأثیر رفتار بر روح، روان، عواطف و احساسات قربانی برای تحقق جرم کافی است.

در حقوق کیفری ایران، با توجه به بند اول ماده ۵۰۰ مکرر کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۹۹ به

نظر می‌رسد صرف داشتن عمد در ارتکاب رفتارهای القاء گرانه، کنترل‌گرانه و آگاهی نسبت به تأثیر رفتار در قربانی با معیار عینی (انسان متعارف) برای تحقق جرم کفایت می‌کند و نیازی به سوءنیت خاص مرتکب وجود ندارد.

نتیجه

شستشوی مغزی یا گسلاپتینگ به‌عنوان یکی از اشکال رایج آزارگری عاطفی، اصطلاحی است که برای هرگونه رفتارهای کنترل‌گر و اکراهی در بستر یک رابطه صمیمی و عاطفی میان شرکای عاطفی و یا جنسی دائم یا موقت در حقوق کیفری برخی کشورها از جمله انگلستان و ایران پیش‌بینی شده است. مقنن هر دو کشور بنا بر ملاحظات اخلاقی، دینی، عرفی و اجتماعی مدنظر خود اقدام به جرم‌انگاری رفتارهای کنترل‌گر و القاء گرانه از سوی مرتکبین نموده است.

مصادیق این رفتارها چنان که در راهنمای نهاد دادستانی سلطنتی بریتانیا^{۳۷} ذکر شده بسیار متنوع و متفاوت می‌باشد از جمله: ساختار موارد مندرج در چهارچوب راهنمای موضوعی، رفتار مرتبط با مرتکب می‌تواند شامل موارد ذیل باشد: جداکردن شخص از دوستان و خانواده اش، محروم کردن آن‌ها از نیازهای اساسی شان، کنترل بر ورود و خروج از منزل و محل کار، نظارت بر شخص از طریق ابزارهای ارتباط آنلاین یا با استفاده از نرم افزار یا بدافزارهای جاسوسی، استفاده از سیستم‌های دیجیتال همچون دستگاه‌های هوشمند برای اجبار، کنترل یا مشوش کردن قربانی از جمله ارسال محتویات تحریک‌کننده، کنترل کردن ابعاد زندگی روزمره شان همچون جایی که می‌خواهند بروند، کسی که آن‌ها می‌خواهند ببینند، لباسی که می‌خواهند پوشند و زمانی که می‌خواهند بخوابند.^{۳۸} محروم کردن قربانی از دسترسی به خدمات حمایتی همچون حمایت تخصصی یا خدمات درمانی، مکرراً تحقیر کردن قربانی با گفتن این که آن‌ها بی‌ارزش، نالایق و ناکافی برای اطرافیان و جامعه هستند، انجام اقدامات و فعالیت‌هایی که قربانی را

37- The Code for Crown Prosecutors 2021

۳۸- این اقدامات می‌تواند با گفتن این که این بهترین فایده را برای قربانی دارد و دادن پاداش به رفتار خوب همچون هدیه دادن درآمیخته می‌شود

تحقیر، بی‌ارزش و از خصایص انسانی محروم می‌کند، اجبار کردن قربانی به شرکت در فعالیت‌های مجرمانه همچون سرقت از مغازه، بی‌مبالاتی یا سوءاستفاده از کودکان برای تشویق به سرزنش خود و جلوگیری از افشای آن به مقامات ذیصلاح، سوءاستفاده اقتصادی همچون بدهکار کردن اجباری، کنترل حساب‌های بانکی، پس انداز، سرمایه‌گذاری‌ها، وام، پرداخت سود، کنترل رفتن به مدرسه یا مکان مطالعه یا تفریح، گرفتن دستمزد، مزایا یا کمک هزینه‌ها^{۳۹}، تهدید به صدمه یا قتل، تهدید به صدمه زدن به کودک، تهدید به افشاء یا انتشار اطلاعات خصوصی، تهدید به آسیب یا صدمه جسمانی به یک حیوان خانگی مورد علاقه قربانی، هرگونه حمله و تهاجم، تهدید فیزیکی مثل بستن و قفل کردن درها همچون گره کردن یا تکان دادن مُشت‌ها و ایراد آسیب مجرمانه^{۴۰}، ممانعت شخص از دسترسی به سیستم حمل و نقل عمومی یا شخصی، ممانعت شخص از یادگیری یا استفاده از یک زبان یا یافتن دوستانی خارج از زمینه فرهنگی یا اخلاقی‌شان، بی‌حرمتی به اهل منزل، هرگونه آسیب روحی، تعرض یا هجمه جنسی یا تهدید به تعرض جنسی، اجبار به تولید مثل از جمله محدود کردن دسترسی قربانی به کنترل تولد، امتناع از به‌کارگیری یک روش کنترل تولد، حاملگی اجباری، اجبار قربانی به سقط جنین، انجام روش لقاح آزمایشگاهی یا دیگر روش‌ها یا انکار دسترسی به وجود چنین فناوری‌هایی، استفاده از موادی همچون الکل یا مواد مخدر برای کنترل قربانی از طریق وابستگی یا کنترل دسترسی‌شان به چنین موادی، افشای انحراف جنسی، افشای وضعیت بیماری اچ‌ای وی^{۴۱} قربانی یا دیگر وضعیت درمانی قربانی بدون رضایت، محدود کردن دسترسی به خانواده، دوستان و تأمین‌کنندگان مالی، ضبط یا تخریب اسناد مهاجرتی قربانی همچون پاسپورت و ویزا، تهدید به قرارگیری قربانی در مکانی برخلاف میل و اراده‌اش همچون خانه امن، مراکز زندگی تحت حمایت دولت و سازمان‌های غیردولتی، مراکز سلامت روانی و... به‌ویژه برای قربانیان معلول یا سالخورده.

۳۹- بنفیت

۴۰- همچون تخریب و شکستن وسایل منزل

۴۱- ایدز

راهنمای جامع نهاد دادستانی سلطنتی بریتانیا تأکید می‌نماید که این فهرست جامع نبوده و دادستان‌ها باید آگاه باشند که یک مرتکب اغلب رفتار قربانی را تنظیم‌گری می‌کند و این رفتار ممکن است تا حد زیادی از یک شخص به شخص دیگر تغییر کند. لذا دادستان‌ها باید رفتار مرتکب را در هر پرونده به صورت فردی ملاحظه کنند تا ارزیابی شود آیا حاکی از رفتار اجباری یا کنترل‌گر می‌باشد یا خیر؟ در مورد رابطه مرتکب و قربانی اصول راهنمای دادستان‌ها می‌گوید: مرتکب و قربانی با هم در ارتباطند اگر اکنون با هم ازدواج کرده یا قبلاً ازدواج کرده بودند، شرکای مدنی یکدیگر باشند یا قبلاً بوده‌اند، توافق کرده‌اند که با یکدیگر ازدواج کنند^{۴۲}، وارد یک توافق مشارکت مدنی شده باشند^{۴۳}، در یک رابطه شخصی صمیمی با همدیگر هستند یا بوده‌اند، زمانی که آن‌ها یک رابطه ابوت در ارتباط با یک کودک دارند یا قبلاً داشتند یا با هم خویشاوند هستند. راهنما تأکید می‌کند که در حالی که بسیاری از روابط شخصی نزدیک، متضمن یک رابطه جنسی است اما این یک شرط لازم نیست. به تعبیر دیگر، مرتکب و قربانی نیازی به زندگی مشترک یا شکل خاصی از رابطه ندارند.

نکته شایان توجه در خصوص مقنن انگلستان این است که تا پیش از سال ۲۰۲۱ میلادی وقتی صحبت از رابطه شخصی می‌شد محدود بود به این که یک مرتکب و قربانی در یک رابطه صمیمی باشند یا زندگی مشترک خواه در یک رابطه صمیمی گذشته یا عضویت در یک خانواده وجود داشته باشد اما به موجب ماده ۶۸ قانون آزار و اذیت خانگی^{۴۴} این عبارت اصلاح شد و شرط زندگی مشترک را مقنن حذف و به جای آن بر کیفیت رابطه تمرکز می‌کند.

در مقایسه با مقنن انگلستان، قانونگذار کیفری ایران در ماده ۵۰۰ مکرر کتاب پنجم تعزیرات قانون مجازات اسلامی انجام رفتارهای کنترل‌گر و القانات ذهنی را مشمول جرم انگاری قرار داده است. یکی از تفاوت‌های مهم در خصوص این دو نظام حقوقی در خصوص این جرایم این است که در انگلستان، در

۴۲- خواه توافق خاتمه یافته باشد یا نه

۴۳- خواه توافق خاتمه یافته باشد یا نه

مواردی که تمام یا بخش عمده‌ای از جرم در خارج از محدوده سرزمینی انگلستان و ولز اتفاق می‌افتد ولی جرم به وسیله اتباع انگلستان یا افراد مقیم در ولز و انگلستان ارتکاب یابد، این جرم در محدوده سرزمینی انگلستان قابل رسیدگی است. در ایران مقنن ماده را با عبارت (هرکس) آغاز کرده ولی مطابق با اصل صلاحیت سرزمینی اگر این رفتار کنترلگر در خارج از ایران توسط اتباع ایران صورت گرفته باشد به نظر می‌رسد محاکم کیفری ایران صالح به رسیدگی نیستند. تفاوت دوم میان رویکرد مقنن انگلستان و ایران نسبت به جرم کنترلگری این است که در انگلستان هرگونه سوءاستفاده روانی و آزارگری عاطفی از رهگذر رفتار کنترلگر و اکراهی ضمانت اجرای کیفری دارد اما در ایران با توجه به ماده ۵۰۰ مکرر کتاب پنجم تعزیرات قانون مجازات اسلامی که از عبارت (بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی و مالی) استفاده کرده است به نظر می‌رسد آزارگری روانی و عاطفی مشمول ماده مذکور نمی‌شود و از این جهت ماده دچار نقص و عدم جامعیت است.

پیشنهاد

به‌عنوان پیشنهاد این نوشتار از سوی نگارندگان، شایسته است مقنن نسبت به اصلاح ماده ۵۰۰ مکرر کتاب پنجم تعزیرات قانون مجازات اسلامی در خصوص اولاً به فرامرزی بودن این جرم با استفاده از اصل صلاحیت واقعی و حمایتی تأکید نماید و ثانیاً هرگونه آزار عاطفی، روحی و روانی از گذر رفتارهای القاء‌گرانه و کنترلگری را نیز تحت پوشش این ماده قرار بدهد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- فرجیها، محمد؛ میرخلیلی، محمود؛ سیاوشی، سامان، ۱۴۰۱، پیامدهای روانی، جسمانی و عاطفی آزار جنسی

محارم، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۸۴

- کارگر، مونا؛ کیمیایی، سیدعلی؛ مشهدی، علی، ۱۳۹۳، اثربخشی زوج درمانی گروهی مبتنی بر خود نظم

بخشی بر آزار عاطفی و آشفتگی زناشویی، **دوفصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده**، شماره

۱۴.

لاتین

- Deborah, Philips, 2021, Gaslighting: Domestic Noir, the Narratives of Coercive Control, Women: a cultural review, 32: 2.
- Elina, Penttinen, 2023, Collective gaslighting and emotional workplace abuse in feminist academic spaces, International Feminist Journal of Politics, 25: 5.
- Katharina Anna, Sodoma, 2022, Emotional Gaslighting and Affective Empathy, International Journal of Philosophical Studies, 30: 3.
- Myhill, A. , Johnson, K. , McNeill, A. , Critchfield, E. and Westmarland, N. , 2023, a genuine one usually sticks out a mile': policing coercive control in England and Wales. Policing and Society, 33(4).

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.19- Spring 2024

Jurisprudential Legal Analysis of Rent Based on Time Unit

Homayoun Mafi, Reza Ahmadi Lemraski

A Comparative Study of the Legislative Criminal Policy of Iran and England Regarding Offences Related to Emotional Abuse

Behrooz Javanmard, Sahar Fatemi

Position of Women in Afghanistan from the Perspective of International Human Rights

Mohsen Molaei Fard, Hadi Masoudifar

Analyzing the basic Conditions of Contract Formation in the Conclusion of Electronic Contracts; Responsibilities and Penalties

Zahra Ansarifar, Maryam Kamaei

Recovery of Costs and Security for Costs in Third Party Funding in International Arbitration

Mohammad Mahdi Asadi

Feasibility of Criminal and Legal Prosecution of Government Officials in Violation of Citizens' Right to Health

Mohammad Saeid Hosseini, Mohammad Javad Javid

Assistant in Crime in American and Iranian Law; a Study with an Emphasis on Criminal Instrumentalism

Rohollah Ahangaran

Place of Reason in Deriving Jurisprudence

Ali Karimi, Hasan Sadeghian Meshkani, Sayyed Mohammad Hosein Jazayeri

Analyzing the Rights of Prisoners with an Approach to Domestic and International Institutions

Sayyedeh Mahshid Miri Balajorshari, Amirreza Mahmoudi

The Effect of the Twenty-Year Contract on Bilateral Relations between Iran and Russia in the 13th Government

Sayyed Amin Hosseini, Ahmad Shohani, Iraj Morvati

Promotion of Cultural Rights in the Light of Islamic Religion and Iran's Legal System

Alireza Ansari Mahyari, Zahra Sadat Hosseini

Crimes of Registration of Documents and Real Estate in Iranian Criminal Law

Amir Esmaceli, Navid Motamedarya, Fatemeh Nazarpur

The Criteria for Distinguishing Torture from other Inhuman Treatment

Mahan Ghorbani Pasvisheh

Exceptions to the Principle of Inadmissibility of Objections against the Holder in Good Faith

Sara Farzadimehr, Shapoor Mohammadhosseini, Mohammadreza Haghighi

The Battered Woman Syndrome and Self-defense: A Legal and Empirical Dissent

Maryam Farahi

The Effects of the Guarantee of Good Performance of Obligations in Iranian Law

Aslan alizadeh